

مولانا، شمس را گفت:
پس زخم‌های مان چه؟ و او پاسخ داد:
«تور از محل آن‌ها وارد می‌شود...»

www.ketab.ir



خاطراتی از زبان ایرانیان
بازگردانده شده از عراق



اشارات روایت فتح

هرگونه بهره برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم افزاری
(شبکه های اجتماعی، پادکست و ...) از گل اثر مجاز نیست
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلاخانج است.)

سوقی

خاطراتی از زبان ایرانیان بازگردانده شده از عراق
به قلم شاهدخت حیدری

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

ویراستار: فاطمه السادات حیاتی طهرانی

طراح جلد: نرگس قاسم پور مطلق

صفحه آرا: فاطمه قلی نژاد

لیتوگرافی و چاپ: ایلیا گرافیک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۶۷۱-۴

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

سرشناسه: حیدری، شاهدخت، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: سوقی، خاطراتی از زبان ایرانیان بازگردانده شده از عراق / به قلم شاهدخت حیدری؛

ویراستار فاطمه السادات حیاتی طهرانی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۶۷۱-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: خاطراتی از زبان ایرانیان بازگردانده شده از عراق.

موضوع: اخراج اتباع خارجی -- عراق

Iraq -- Deportation

عراقیان ایرانی تبار -- خاطرات

Iranian Iraqis -- Diaries

مهاجران -- عراق

Immigrants -- Iraq

مهاجران -- ایران

Immigrants -- Iran

رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۲

رده بندی دیویی: ۱۵۵/۸۴۳

شماره کتابشناس ملی: ۹۳۲۹۵۷۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، شماره ۱۶

www.revayatfath.ir

مقدمه

تاریخ را که ورق می‌زنیم به مردمانی از دیار زاگرس می‌رسی که صبر و نجابت‌شان روی سیاه ستمکاران را سیاه‌تر کرده است، مردمانی که روزگاری برای کسب لقمه‌ای نان حلال سختی‌های راه را به تن خریده و به سبب نزدیکی و همجواری با کشور همسایه راهی آن دیار شده‌اند و سال‌ها در کنار مردم آن کشور، مسالمت‌آمیز و بی‌هیچ حاشیه‌ای زندگی کرده‌اند و متقابلاً آن‌ها از خلاقیت و نیروی انسانی جوان و سرمایه‌ی این مردمان زخم‌خورده بهره‌مند بوده‌اند.

روایت مهاجرت ایرانیان به عراق و عراقیان به ایران به قرن‌ها قبل برمی‌گردد که به دلایل متعدد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، این روند سال‌ها بین دو کشور همجوار متداول بوده است. از آنجا که نظام حاکمیتی عراق با توجه به تصورات غلط و ذهنیت منفی‌ای که از ایران داشت، در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰ م) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بیداری مردم، انقلاب ایران را برای خود یک تهدید می‌دانست و از آنجا که تحت حمایت

قدرت‌های بزرگ جهانی قرار داشت، با پشتوانهٔ آن‌ها و به بهانه‌های واہی در سال ۱۳۵۹ ابتدا گروه کثیری از ایرانیان مقیم عراق را از کشور خود اخراج کرد.

این در حالی بود که پسران هجده سال به بالا را به زندان می‌انداخت و تمام اموال و ثروت این مردم را مصادره کرده و آن‌ها را به شکل تحقیرآمیزی از مرزهای مشترک روانه ایران می‌کرد.

ورود این عزیزان به خاک پهناور ایران و اسکان آن‌ها در استان مرزی ایلام نقطهٔ عطفی بود برای تک‌تک مردمی که ناخواسته به این دیار کوچ داده شده بودند. روزهای سخت فقر و تنگدستی و بی‌خانمانی آن‌ها در حالی آغاز شده بود که بی‌هیچ چشمداشتی به دامان وطن پناه آورده بودند.

این روزهای تلخ با شروع جنگ تحمیلی در مرزهای کشور زهرآگین‌تر شده بود. مردمانی که علاوه بر تمام مشکلات عدیده، بزرگ‌ترین مشکل‌شان اثبات هویت‌شان در سرزمین آبا و اجدادی‌شان بود.

از آنجا که کشور با فاصلهٔ کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، درگیر جنگ ناخواسته‌ای شده بود که ابرقدرت‌ها برافروخته بودند و تمام اهتمام مسئولان در آن روزهای سخت بر حفظ و صیانت خاک ایران و مدیریت جنگ متمرکز بود، پرداختن به مسائل دیگر تا حدود زیادی ناممکن شده بود و همین امر سبب شد تا سال‌های متمادی این قشر از هموطنان مان دنبال هویت خود در بلا تکلیفی سر کنند. نداشتن شناسنامه نیز بزرگ‌ترین معضلی بود که در وطن خود گریبانگیرشان شده بود. برخی از آن‌ها برای رهایی از این وضعیت مبهم برخلاف

میل‌شان تصمیم‌هایی مبنی بر مهاجرت و کوچ به دیار غربت و سرزمین‌های دور دست گرفتند.

با تمام این اوصاف و با توجه به تمام سختی‌هایی که آن‌ها متحمل شدند، آنچه درخور توجه است زندگی ساده، بی‌توقع و نجیبانه آن‌هاست.

اعتقادات عمیق مذهبی و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی آنان سبب شده بود که با تمام فرازونشیب‌های زندگی، هرگز مرتکب خطا و جرم نشوند و چیزی به نام بزهکاری و رفتار نابه‌هنجار در آن‌ها نمود پیدا نکند و زندگی سالم و ساده خود را به هر چیز دیگری ترجیح دهند. این امر مهم می‌تواند یکی از افتخارات و مباهات این قوم کهن ایران زمین باشد.

کتاب سوقی حاصل ساعت‌ها مصاحبه و گفت‌وگو با تعدادی از زخم‌خوردگان این رویداد تلخ تاریخی است که چهره سیاه‌ظلم را در لحظات زندگی مشقت‌بار خود نشان می‌دهند. زخم‌خوردگانی از مردم سرزمین‌مان، کردهای فیلی منطقه پهن‌اور زاگرس عزیز.

با سپاس از همه عزیزانی که در تهیه و تألیف این مجموعه یاری کردند. خدا را شاکرم که یاری‌ام کرد تا بتوانم هر چند اندک حقانیت این مردم ستمدیده و رسوایی‌ظلم‌ظالمان را به رشته تحریر درآورم.

برقرار باد پرچم صلح و آزادی بر سراسر جهان

فهرست

- ۱۱..... پشت دیوار سکوت
- ۳۳..... سوقی
- ۵۹..... این سوی سیم‌ها
- ۶۹..... رؤیای شیرین
- ۸۷..... ردپای شب
- ۹۷..... زخم‌ها